



خواهران. تنها با آگاهی و مبارزه متحدانه می‌توان زنجیرهای ستم را گسست!

ادامه ستم، تحقیر، آزار جنسی، تهدید، قتل و صدها مورد وحشتبار دیگر افغانستان را به زندان بزرگی برای زنانش مبدل کرده است. با آنکه مجموع ملت ما در تحت سیطره جهالت بنیادگرایی، اشغال امریکا و ناتو و دولت فاسد فعلی جان می‌کنند، اما بار این استبداد و بیعدالتی‌های روزافزون بر شانه زنان نگویند ما سنگین تر بوده کمر شانرا خم نموده است.

زنان افغانستان طی سالیان متمادی اولین و آسانترین قربانیان ددمنشی‌های باندهای آدمکش بنیادگرا بوده اند، اما با اشغال افغانستان توسط امریکا و متحدانش یازده سال است که از وضعیت اسفناک و دردآور زنان افغانستان بصورت شرم آور و خاینانه سود تبلیغاتی و سیاسی برده می‌شود. بلندگوهای غرب سعی نمودند که با پخش اکاذیب و دروغهای شاخدار جنگ غارتگرانه شان را منحنی «جنگ آزادیبخش برای رهایی زنان» جار زدند. با آنکه در شعارها نام زن در صدر فهرست چه امریکا و دولت مزدور و چه نهادهای به اصطلاح حقوق بشر قرار دارد، اما عملا هیچ گامی در جهت رفع فشارهای استخوانسوز بر زنان برداشته نشده و برعکس با گذشت هر روز میزان خشونت در برابر زنان ما افزایش بیسابقه می‌یابد و جو معافیت تمام برای زن ستیزان وحشی حکمفرماست.



فقط چند روز بعد از اشغال افغانستان، جورج بوش اعلام نمود که «در اثر عملیات ما زنان افغان دیگر در بند نیستند، آنان آزاد اند.» در نوامبر ۲۰۰۱ لورا بوش گفت: «سرکوب وحشیانه زنان یکی از اهداف تروریسم است... حالا زنان افغان مانند گذشته در خانه‌های شان زندانی نیستند... مبارزه علیه تروریسم در عین حال مبارزه برای حقوق و حیثیت زنان است.» حتی وزیر خارجه آلمان، ژوزف فیشر در همان اوایل حمله بر افغانستان برای توجیه لشکرکشی نظامی با عوامفریبی گفته بود: «هدف ما قبل از همه بازگرداندن حقوق و عزت غصب شده زنان افغانستان به آنهاست.»

اینان درحالی به این شهادی‌ها علیه زنان ما دست زدند که بدترین ناقضان حقوق بشر و حقوق زنان و جهالت پیشه‌ترین و پست‌ترین نیروها و عناصر را در دولت ساخت خود شان جا دادند و تا امروز دست جنگسالاران و بنیادگرایان رنگارنگ را در ارتکاب خشونت و پستی نسبت بر زنان باز گذاشته اند. با گذشت یک دهه بمبارد و کشتار، امریکا اعلام می‌دارد که «ما با طالبان جنگ نداریم» و دلکانش در ارگ نیز این موجودات قرون وسطایی را «برادران» خطاب کرده برای سهیم ساختن این مجسمه‌های جنایت، تحجر و مزدوری به قدرت، شب و روز نمی‌شناسند.

حقیقت مسلم است که «حقوق دادنی نیست، گرفتنی ست» به همین علت ادعاهای سالوسانه امریکا و غرب که گویا برای بازگرداندن آزادی زنان به افغانستان لشکرکشی نموده اند جز دروغ بیشمارانه چیزی نبود. اینان نه تنها کوچکترین خدمتی به زنان افغانستان نکردند بلکه با حمایت بیدریغ از مرتجع‌ترین و ضدزن‌ترین گروهها و افراد و نصب یک دولت فاسد و زن ستیز، زنان محروم ما را عمیقتر در زنجیرهای جور و حقارت پیچانیدند. اینان با بمباردمان‌های کور و قتل عام پیاپی، رنج‌ها و مصائب فراوان دگری را بر زخم‌های خونچکان ملت و بخصوص زنان ما افزودند.

تمام دستاورد غرب و دولت پویشی در این مدت برای زنان افغانستان چند حرکت سمبولیک و نمایشی و پروپاگاند کرکننده بوده که جز برای یک اقلیت کوچک زنان، برای اکثریت آنان هیچ تغییر مثبتی در پی نداشت. آنان چند زن ویتربینی را اینجا و آنجا جابجا نموده از آنان به مثابه سمبول رهایی زنان افغان سوءاستفاده وسیع نمودند. پایه گذاری وزارت زنان، فرستادن ۶۸ زن به پارلمان جنگسالار، نصب چند وزیر و والی و مقام زن، وضع قانون منع خشونت علیه زنان و... همه تلاشهای فرمایشی و تبلیغاتی‌ای بودند که دهسال تمام رسانه‌های غربی آنرا نشانه «آزادی زنان افغان» تبلیغ کردند تا حمایت مردم شان را در جنگ افغانستان جلب کنند.

به تاریخ ۲۶ مارچ ۲۰۱۰ سایت «ویکی لیکس» یک سند محرمانه سی‌ای‌ای. را انتشار داد که در آن پیشنهاد شده بود که به خاطر ترغیب مردم اروپا جهت حمایت از جنگ افغانستان، باید از زنان افغان استفاده وسیع صورت گیرد و تعدادی از آنان در مطبوعات برجسته گردیده طوری نمایان سازند که جنگ جاری در خدمت به‌روزی آنان بوده و بدینصورت اهداف آیساف در افغانستان انسانی جلوه داده شوند.

بر اساس همین سیاست ضدانسانی بود که گاهی داستان عایشه در مطبوعات غربی برجسته ساخته می‌شد و یک مشت زنان بیشرم افغان در این و آن گردهمایی جهانی دعوت گردید که در بدل دالر در حمایت از ادامه اشغال سخنپراکنی کنند، گاهی به چند زن زینت المجلس و دست پرورده امریکا در کاخ سفید و نهاد‌های

امپریالیستی جویزی داده شد تا در مقابل آنان گویا به نمایندگی از زنان افغانستان اظهار سپاس نمایند که «جنگ علیه تروریسم» به آنان آزادی اعطا نموده است. اما خودکشی و خودسوزی همه روزه زنان در اکناف افغانستان، تجاوز جنسی جنگسالاران بر صنوبرها، سائمه ها، انیسه ها، زری بی ها، گل افروزها، شکیلاها، لال بی بی ها، عزیزه ها و فراوان خواهرکان معصوم ما و دیگر پلیدی ها و جنایات موحش در برابر زنان و دختران افغان پرده انداخته شد و از دید مردم غرب پنهان نگهداشته شده است.

امریکا با تبدیل افغانستان به پایتخت مافیای مواد مخدر و فاسدترین و بی دروازه ترین کشور جهان عملاً زنان را با بلایای جدیدی مواجه ساخت. امروز از نظر مرگ و میر مادران افغانستان در صدر فهرست جهان قرار دارد. زنان نخستین قربانیان فقر و بینوایی حاکم در کشور گردیده به سوی تباهی بیشتر کشانیده شده اند. میزان خودکشی میان زنان با هیچ کشوری قابل مقایسه نیست. تجاوز جنسی و قاچاق زنان به بالاترین حدش رسیده. بیعدالتی و گنبدگی در دستگاه قضایی افغانستان حتی بدتر از دوران سیاه طالبی است بنا در موارد زیادی محاکم افغانستان خود مرتکب فشارهای عمیق روحی و جسمی بر زنان منکوب شده ما می شوند. و حال این جنایتکار پسندی به حدی رسیده که کرسی به طالبان دشمن زن و انسانیت پست وزارت عدلیه و ستره محکمه را پیشکش می کند تا یکبار دیگر با دست باز قوانین حیوانی شانرا بر زنان بدبخت ما تحمیل نمایند.

ستم بر زن ریشه های عمیق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد. هیچ کس و نیرویی نمی تواند به زنان آزادی و رفاه بیاورد مگر اینکه خود به آگاهی رسند و متحدانه برای کسب حقوق شان تلاش نمایند. در کشورهایی که زنان به حقوق ابتدایی شان دست یافته اند، نتیجه چندین دهه جانفشانی و فعالیت های هماهنگ سازمانهای مبارز زنان بوده است. حقوقی را که انسانها در اثر مبارزه و پشتکار بدست آورند، به آسانی ممکن نیست از دست دهند. اما در افغانستان که از حقوق اهدایی به زنان صحبت می شود، امروز پیایی خود امریکاییان و نوکران شان داد می زند که با خروج نیروهای خارجی این «دستاورد» ها از دست خواهد رفت!

تا وقتی یک جامعه واقعا دموکراتیک و عادلانه در کشور ما رویکار نیاید، ریشه این ددمنشی ها بر زنان قطع نخواهد شد. امروز بنیادگرایان از هر جنس چه طالبی چه تنظیمی و چه نوع «ولایت فقیه» که نقش پایگاه اجتماعی امریکا و ناتو را در کشور ما بازی می کنند، همه دشمنان قسم خورده زنان و حامی جنایت علیه زنان اند. بنا نبرد ضدبنیادگرایی و ضد اشغالگران گام اول برای رستگاری زنان نیز محسوب می گردد. باید زنان آگاه متشکل شده درین پیکار نقش شانرا ادا نموده و به دیگر زنان کشور این آگاهی را دهند که خاموشی در برابر این وحشت حاکم باعث تشدید آن خواهد شد.

در جوامعی ای که زنان در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فعال اند، میزان نابرابری جنسی نیز در آنجا به حداقل رسیده است. نمونه بارز آن را می توان در کردستان سراغ داشت که زنان توانسته اند در تمامی عرصه ها و حتی در مبارزه مسلحانه همگام و همصدا با مردان به مثابه پیشاهنگان جنگ آزادیخواهانه گام بردارند و به زور بازوان شان به خواسته های برحق شان دست یابند، به همین دلیل بربریت در لباس مذهب نتوانسته در آنجا ریشه دوانیده زنان را در کامش فروبرد.

جدایی دین از دولت و استقرار جامعه ای عاری از تبعیض و نابرابری جنسی، مذهبی، قومی، ملی و طبقاتی می تواند ضامن تثبیت جایگاه شایسته زنان گردد. در اینچنین سیستمی زنان خود همگام با مردان می توانند تمامی قوانین ضدزن و ضدانسانیت را لغو نموده در همه عرصه ها نقش فعال ادا نمایند. در شرایط فعلی که عملاً بیش از نیم نفوس کشور ما از حیات سیاسی و اجتماعی به دور پرتاب شده اند، ممکن نیست افغانستان را به جاده ترقی و تعالی رهنمود ساخت. وقتی زنان و مردان محروم آگاهانه دوش بدوش هم برای شکوفایی کشور کار نمایند، بدون شک افغانستان زخمی ما سرنوشت دیگری خواهد داشت.

«حزب همبستگی افغانستان» به توانایی های زنان افغانستان اعتقاد راسخ داشته افتخار دارد که از محدود احزاب کشور است که همیشه در حرف و عمل در راه رهایی زنان فعالیت انجام داده است. ما به نظرات احمقانه ای که زن را نیم مرد و «عاجزه» و ناتوان می شمارد به مثابه اراجیف جاهلانه نگریده به این نظریه که در بسی موارد زنان در عمل ثابت کرده اند که وقتی برخیزند، بهتر و شایسته تر از مردان در هرگونه فعالیتی سهم ادا کرده اند. ما آرزوی روزی را داریم که یکی از کادرهای زن، رهبری حزب ما را بدست گیرد.

«حزب همبستگی افغانستان» درحالیکه روز جهانی زن را به تمامی زنان دربند افغانستان و سایر کشورها تبریک می گوید، مکرراً اعلام می دارد که تبعیض در برابر زنان جدا از بیداد بر همه آحاد جامعه ما نیست بنا تنها با آگاهی و مبارزه متحد و پیگیر می توان به اشغالگران و عمال منفور شان شکست داد، به استبداد و بی عدالتی ها نقطه پایان گذاشت و به تساوی حقوق زن و مرد در سایه حکومت دموکرات و مردمگرا دست یافت.

حزب همبستگی افغانستان

۸ مارچ ۲۰۱۳ - ۱۸ حوت ۱۳۹۱